

بررسی مسأله وقف در حکومت آل بویه

زینب ایزدی نیا^۱

چکیده:

وقف یکی از پدیده‌های اجتماعی در حیات بشری است که در ادوار تاریخی کم و بیش مورد توجه بوده است. با ظهور اسلام، این پدیده نیز به صورت موضوعی بس جدی که آثار مفیدی بر جامعه بشری داشته است مطرح گردید و در گفتار و رفتار اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام به عنوان مسأله مهم تلقی شده است. مسلمانان با تأسی از آموزه‌های دینی در رونق بیشتر این فرهنگ کوشیدند. در سده چهارم و پنجم هجری که فرهنگ و تمدن اسلامی رو به سوی پیشرفت نهاده بود، خاندان آل بویه بر خلافت عباسی مسلط شدند و برای یک قرن و نیم حکومت شیعه مذهبی را در عراق و ایران بنا نهادند. امرا و وزرای بویه با انگیزه‌های متفاوت در اعتلای هرچه بیشتر فرهنگ وقف تلاش خویش را میزول داشتند و به ساخت مساجد، مدارس و خدمات عام‌المنفعه پرداختند. در این پژوهش به بررسی موقوفات امرا، وزرا و بزرگان آل بویه و انگیزه آن‌ها برای وقف، ساختار نهاد وقف در این دوره و... پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

وقف، موقوفات، امرا، وزرا، آل بویه.



مقدمه

فرزندان بویه از خاندانی ایرانی اهل دیلم بودند. که در سال ۳۲۸ هجری در زمانی که تمدن اسلامی در سایه امنیت و ثروتی که در جامعه اسلامی حکم فرما بود و رو به سوی پیشرفت داشت فرزندان بویه توانستند بر حکومت عباسیان که ضعف و ناتوانی گریبان آنان را گرفته بود تسلط یابند و حکومت قدرتمند شیعه را در حوزه جغرافیایی ایران و عراق تأسیس کنند. این خاندان از امیران و وزیران دانشمند و برجسته‌ای برخوردار بود که نهایت سعی را برای گسترش هرچه بیشتر علم، تمدن و فرهنگ شیعه در قلمرو خویش داشتند. از این رو وقف به‌عنوان یک پدیده فرهنگی مورد توجه بزرگان این خاندان قرار گرفت. هرچند که بیش از حکومت بویه برخی از حاکمان مسلمان به مسأله وقف مبادرت می‌ورزیدند اما در این خاندان کثرت بیشتری در مسأله وقف مشاهده می‌شود. واقفان بویه با وقف اموال خویش در جهت آبادانی و عمران

شهرها و ساخت و مرمت اماکن مذهبی و آموزشی به اعتلای هرچه بیشتر این تمدن یاری رساندند. این پژوهش با بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای در صدد برآمده که به بررسی مسأله وقف در حکومت آل بویه بپردازد و تصویری روشن از موقوفات که توسط این خاندان صورت گرفته است را ارائه دهد. و انگیزه‌هایی که در پس این موقوفات بوده است؛ را تا حد امکان بیان ساخته و محدوده جغرافیایی که در آن وقف انجام گرفته است را مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش در پی آن است که نمای کلی از تاریخ وقف در یک دوره و یک حکومت اسلامی ارائه دهد.

وقف در عصر آل بویه

وقف به عنوان مسأله‌ای اجتماعی همواره در ادوار تاریخی با فراز و نشیب‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. در ایران پیشینه‌اش به دوران قبل از اسلام برمی‌گردد. حمزه اصفهانی در مورد وقف یکی از پادشاهان ساسانی

می نویسد: «در ده حروان از روستای جی آتشکده‌ای به نام سروش آذران ساخت و قریه یوان و جاجاه از روستای النجان را بدان وقف کرد.^۲» ظهور دین اسلام وقف را معنایی روشن تر بخشید و رهنمودهای قرآن در تشویق انسان‌ها به اعمال و کارهای خیر و همچنین عملکرد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام در ترویج این سنت حسنه نقشی عظیم را ایفا نموده است. از این رو مسلمانان به وقف اموال جهت تأسیس مسجد، مدرسه، اشاعه آیین جدید و کارهای عام‌المنفعه نظیر ساختن کاروانسرا، پل، دارالشفاء، حفر قنات و... پرداختند. در هیچ دوره تاریخی بعد از ظهور اسلام نمی‌توان جامعه را بدون وقف و یا املاک وقفی یافت و اسناد موجود نیز این حقیقت تاریخی را به ثبت رسانده است. به طوری که در کتاب وقف در ایران می‌خوانیم: «در زمان خلفای عباسی که پایه خلافت‌شان را ایرانیان نهاده بودند، در زمان آل بویه، غزنویان، سلجوقیان و تیموریان چه در ایران و

چه در خارج ایران موقوفات به وسیله شاهان و وزرای آنان پیدا شد که درآمد این موقوفات صرف امور عام‌المنفعه یا دستگیری فقرا و ابناء سبیل می‌شد یا به مصرف ساختن پل، حمام، بیمارستان، مدرسه، جاده و غیره می‌رسید که از آن جمله می‌توان بیمارستان معروف عضدی در بغداد و دانشگاه‌های نظامیه بغداد و نیشابور را نام برد.^۳» حکومت شیعی مذهب آل بویه که به مدت یک قرن و نیم بر سرزمین ایران و عراق حکمرانی می‌کرد با داشتن حاکمان و وزرای دانش‌دوست در زمینه فرهنگی و علمی موقوفاتی را به جای نهادند.

خاندان بویه از میان دیلمیان برآمدند و در میان امیرنشین‌های مستقل ایرانی، به لحاظ سال‌های حکومت (۳۲۱-۴۴۸)، حوزه نفوذ و قدرت سیاسی و نظامی و به‌ویژه مسائل فرهنگی سرآمد دیگر دولت‌های مستقل، تا زمان خویش بودند.^۴ تأسیس دولت آل بویه به دست سه تن برادر از فرزندان ماهیگیری گیلانی به نام ابو شجاع بویه انجام

یافت که به ترتیب سن نام‌های شان علی، حسن و احمد بود. که بعدها به عمادالدوله، رکن‌الدوله و معزالدوله ملقب شدند. به ادعای بعضی از تاریخ‌نویسان نسب آنها به بهرام گور می‌رسید^۵. ویژگی تاریخی آنها، چیرگی بر بغداد و اعمال نفوذ در مرکز خلافت است. که پیش از آن، برای هیچ سلسله‌ای چنین امکانی فراهم نیامده بود^۶. در منابع تاریخی موقوفاتی برای این خاندان ذکر شده است که می‌توان آن را در دو دسته موقوفات علمی و فرهنگی و موقوفات اجتماعی تقسیم نمود که در ذیل بدان می‌پردازیم:

موقوفات علمی و فرهنگی

اوضاع و شرایط سیاسی به وجود آمده در جهان اسلام بستر مناسبی برای رشد و توسعه فرهنگ و دانش در سده چهارم و پنجم هجری پدید آورده بود که آل بویه در آن نقش چشمگیری داشته‌اند. دوران آل بویه دوران سر برآوردن دانشمندان در علوم مختلف و نیز توسعه کتابخانه‌ها و تألیف کتاب و

دارالعلم‌ها است. این موضوع در وهله اول، ارتباط مستقیم با حاکمان آل بویه داشت، زیرا برخی از آنان خود از اهل دانش و یا دوستدار آن بودند. از این رو بسیاری از دانشمندان را در وزارت و یا امور دیگر به خدمت می‌گرفتند^۷. به موازات پیشرفت علوم در این سده موقوفاتی برای پیشبرد هرچه بیشتر در این زمینه از جانب حاکمان و وزاری بویهی صورت می‌گرفت.

اوایل سده چهارم هجری نهادهای آموزشی علمی در جهان اسلامی با عنوان دارالعلم تأسیس گردید. این مراکز نیز با پشتوانه مالی خصوصی و موقوفات شخصی اداره می‌شد. کهن‌ترین دارالعلم از آن ابوالقاسم جعفر بن محمد موصلی (م ۴۲۳ هـ. ق) از ادیبان و فقیهان بنام شافعی در موصل بوده است. این فقیه توانگر موقوفاتی برای این دارالعلم نهاد. که هر دانشجویی می‌توانست با استفاده از نوشت‌افزار و کمک هزینه نقدی در آنجا مقیم شود و از کتابخانه موقوفه آن استفاده نماید. موصلی

مافنه از وزرای بویه‌ی در فیروزآباد کتابخانه‌ای با هزار جلد کتاب وقف علاقمندان علم کرد^{۱۲}.

کتابخانه صاحب بن عباد وزیر دیگر بویه‌ی در ری یکی از کتابخانه‌های مهم این عصر می‌باشد که در حمله محمود غزنوی به آتش کشیده شده است^{۱۳}. به جز کتابخانه صاحب در ری، از کتابخانه او در اصفهان نیز یاد شده است^{۱۴}. و شخصیتی مانند ابوالعباس ضبی (م ۳۹۸ هـ. ق) که از بزرگان شیعه و قائم مقام صاحب بن عباد بوده بر آن نظارت داشته است^{۱۵}. با توجه به قرائن و برخی مستندات تاریخی می‌توان چنین نتیجه گرفت که یکی از مقاصد امرا و وزرای بویه‌ی در گردآوری چنین آثار و کتبی ترویج فرهنگ و علوم اسلامی و به‌ویژه معارف تشیع بوده است.

در سال (۳۸۳ هـ. ق)، دارالعلمی به همت شاپور بن اردشیر، وزیر بهاءالدوله، تأسیس شد و آن را وقف علاقمندان کسب دانش کرد^{۱۶}. دارالعلم شاپور در کرخ محله شیعه نشین رنگ

هر روز برای تدریس در این دارالعلم حضور می‌یافت و از کتاب‌های خود دانشجویان را تعلیم می‌داد^۸.

در زمان حکومت آل بویه، شیخ الطایفه محمد بن طوسی در سال ۴۴۸ هـ. ق حوزه را به نجف انتقال داد. حکمرانان آل بویه برای اداره آن هزینه‌های کافی در نظر گرفتند. این حوزه در مدت کمی به حله و سپس به کربلا انتقال یافت و مجدداً در نجف مستقر گردید و تا به حال پایرجا است^۹. نقش امرا و وزرای آل بویه در ساخت و وقف کتابخانه‌ها قابل توجه است. علاوه بر کتابخانه عضدی، کتابخانه حبشی، فرزند معزالدوله در بصره، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است که علاوه بر جزوات غیر مجلد داری پانزده هزار جلد کتاب بوده است^{۱۰}. کتابخانه ابوالفضل بن عمید، وزیر دانشمند رکن‌الدوله در ری نیز از چنان اهمیتی برخوردار بود که ابوعلی مسکویه ریاست آن را برعهده داشته است. تعداد کتاب‌های آن به بیش از صد بار شتر می‌رسد^{۱۱}. ابو منصور بن

دارالعلم شیعی را به خود گرفت. تا آن وقت دارالعلم‌ها در بغداد زیاد شده بود و لکن رنگ مذهبی شیعی داشت؛ زیرا آل بویه و این وزیر از پیشگامان شیعه بودند و این دارالعلم را به‌عنوان پایگاه مهمی برای مذهب شیعه بنیاد نهادند.^{۱۷} همچنین در بین السورین که بخشی بزرگی از کرخ بغداد بود کتابخانه بزرگی ساخت و آن را وقف نمود. که بهتر از آن در جهان یافت نمی‌شد. وی ابو منصور احمد را به کتابداری برگماشت و سال‌های متمادی ریاست این مرکز علمی به سید مرتضی علم‌الهدا رئیس علویان محول گردید. دست‌نوشت پیشوایان بزرگ یا نسخه‌های اصل کتاب‌ها در آنجا نگهداری می‌شد که هنگام حمله طغرل نخستین پادشاه سلجوقی به بغداد در سال ۴۴۷هـ.ق با بخشی از محله کرخ بغداد به آتش کشیده شد.^{۱۸}

بیمارستان‌های عضدی در بغداد و موصل و بصره و نیشابور، مرکز تعلیم و تعلم طب بودند و مخارج‌شان معمولاً از درآمد موقوفاتی بود که بر آنها

وقف شده بود؛ بیمارستان عضدی در ماه صفر سال ۳۷۲هـ.ق افتتاح شد و بیست و چهار طبیب به‌طور تمام‌وقت در آن مشغول معالجه و تدریس بودند. هبه‌الله معروف به ابن تلمیذ، رییس پزشکان عضدی بوده است. وی به زبان عربی و فارسی و سریانی خوب حرف می‌زده و هر وقت یکی از طلاب نظامیه بیمار می‌شد، او را به خانه خود که وصل به نظامیه بود می‌برد و به معالجه او می‌پرداخت و پس از بهبود دو دینار به او می‌داد و آن طلبه به مدرسه برمی‌گشت.^{۱۹} این اقدامات امرا موجب گردید علم و دانش در جامعه اسلامی رونق بگیرد و برگ زرینی از تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی رقم بخورد.

موقوفات اجتماعی

آل بویه در کنار موقوفات فرهنگی اقداماتی نیز در جهت عمران و آبادانی قلمرو خود انجام دادند. هرچند این خدمات به گستردگی تلاش‌های فرهنگی نبود؛ اما همان مقدار نیز قابل

و در سال‌های خشکی از آن استفاده می‌شد. این سد چند مرتبه خراب و ترمیم شده و هنوز هم باقی است^{۲۰}. شاید بتوان این سد که مشهورترین بنای دوره آل بویه است، را در واقع نماد ارتباط سه مبنای ساختار اقتصادی این حکومت یعنی کشاورزی، صنعت و بازرگانی به‌شمار آورد. وی همچنین در هر منزلگاهی برای حاجیان آبشخور ساخت. چاه‌های زیادی را حفر کرد و چشمه‌های خشک را به آب رسانید و اموالی را وقف رسیدگی به مجاوران شهر و بینوایان کرد، خواریار ایشان را از راه دریا و خشکی تأمین نمود^{۲۱}.

آثار و فعالیت‌های صاحب بن عباد تنها در بیان و کتاب و ارائه راه و تدوین سیاست نبود بلکه برای پیشبرد اهداف معنوی خود خاصه در ترویج تشیع گام‌های استواری در زمینه‌های عمرانی و فرهنگی برداشته است. برخی مورخان متقدم از جمله مفضل بن سعد بن حسین مافروخی، بنای مسجد جامع صغیر اصفهان که مسجد جورجیر نیز نامیده شده است را به صاحب بن

توجه است. عمده این آبادانی‌ها در زمان عضدالدوله بویهی انجام گرفت که پیش از این به بیمارستان عضدی اشاره شد. که ضمن جنبه آموزشی این بیمارستان خدمات درمانی قابل توجهی به بیماران ارائه می‌دادند.

عضدالدوله بناهای بزرگی در نزدیکی شیراز ایجاد کرده که تا امروز به نام او باقی مانده است. از آن جمله: بندامیر یا سد عضدی است که بر روی رودخانه کر در هفت فرسنگی شمال شیراز است. سطح زیرین سد از سرب ساخته شده بود. در جغرافیای حافظ ابرو آمده است «بنای عظیمی است. از سنگ و صهروج و ریگ ریزه و آهک چنان ریخته کرده‌اند که آهن بر آن کار نکند و هرگز آن را خللی نرسد. و فراخی سربند چنان است که ده سوار پهلوی یکدیگر بگذرند...» و در آن محل سیصد چرخ ساخته شده بود که هر یک آسیابی را به حرکت درمی‌آورده است؛ و خود سد سطح آب را به بالا برده و مخزن وسیعی تشکیل می‌داده است و آب را ذخیره کرده

عباد نسبت داده‌اند^{۲۲}. و مقدسی هم از ویژگی‌های این مسجد سخن گفته است^{۲۳}.

از دیگر آثار صاحب بن عباد، احیاء و ترمیم شهر قزوین پس از ویرانی آن بوده است که مسلمانان مستلزم پشتوانه‌های مالی و موقوفات بسیاری بوده است. در سال ۳۷۳ هـ. ق قزوین را آباد ساخت و برای آن هفت دروازه و دویست و شش برج قرار داد و اصل شهر را به نه محله تقسیم کرد که هر محله به نام خود معروف بود و بنای شهر در سابق بر صد و بیست برج بود^{۲۴}. ابن عباد، بارها مردم شیعه‌نشین قم را مورد محبت قرار داده و در حق آنها احسان بی‌اندازه می‌نمود. از جمله دستورات صاحب این بود که خراج مردم آن شهر را که به ده قسط گرفته می‌شد بر دوازده قسط مقرر داشت و این موجب رفاه و آسایش عامه گردید^{۲۵}. همچنین در موضوع آبرسانی به این شهر، با ایجاد کاریز باعث این گردید تا جوی‌های آب بر خارج و داخل شهر روان گردد^{۲۶}.

بهاءالدوله پلسی در سوق‌الثلاثاء ساخت^{۲۷}. و در سال ۴۱۳ هـ. ق مؤیدالملک ابوعلی رخجی وزیر مشرف‌الدوله بیمارستانی در وسط تأسیس کرد^{۲۸}.

معزالدوله در زمینه کشاورزی اقداماتی داشته است. همدانی در این باره می‌نویسد: احمد معزالدوله در همان سال ورود به بغداد (۳۳۴ هـ. ق) با علی بن عیسی وزیر بسیار کارگشته و سالخورده که در این هنگام نود سال داشت دیدار کرد و از او در راه اصلاح مملکت مشورت خواست. علی بن عیسی ابتدا توصیه کرد معزالدوله خوش‌نیتی کند زیرا نیت نیک، راه را برای آبادانی و اصلاح و نیکوکاری و دادگستری و استواری کار سپاهیان و رعیت می‌گشاید و بیرون آوردن قدرت از دست خلیفه و غرض‌ورزی، رفتاری خلاف نیت نیک است. او همچنین توصیه کرد که از واجب‌ترین کارهایی که معزالدوله باید به آن بپردازد، اصلاح خرابی آب‌بندها و سدها است که به باور او ریشه همه

تثبیت حکومت پسرش، عضدالدوله و جانشینی او به جای برادرش، عمادالدوله به شیراز رفت انجام داده باشد.^{۳۳}

بی تردید آنچه آل بویه را به لحاظ عملی درگیر رسیدگی به امور کشاورزی و آبیاری می‌کرد، از یک سو نیاز به کسب درآمدهای بیشتر حکومت برای امور اداری و دیوانی و از سوی دیگر نیاز مردمان شهرنشین، روستانشین و سپاهیان به آب و مواد غذایی بود. برخی گزارش‌ها در مورد اکثر شهرها در ایالت کرمان و یا شهرهایی مانند ری، قزوین در جبال نشان می‌دهد آب بیشتر شهرها از چاه و قنات تأمین می‌شده است. که از سوی برخی حاکمان چاه و کاریزهایی وقف عام می‌شدند. همچون: نهر سورینی و جیلانی که احتمالاً از ساخته‌های مرداویج بوده که برای آشامیدن مردم از آنها استفاده می‌کردند. نهر سورینی در محله روده و نهر جیلانی در محله یساربانان قرار داشتند. از این چشمه‌ها علاوه بر

ویرانی‌های سواد است.^{۲۹} معزالدوله نیز شخصا به بازسازی شاخه‌های نهرهای روفیل و بادوریا اقدام کرد و این سبب ثروتمند شدن بغداد و کاهش قیمت غلات شد. مردم سال‌ها دوستدار معزالدوله شدند. به طوری که سال‌ها پس از آن و در هنگامی که پس از سرکوب شورش روزبهان دیلمی به بغداد برگشت (۳۴۵ هـ. ق)، مردم برای وی دعا می‌کردند^{۳۰}، زیرا او آبادانی‌های زیادی را با بستن و لایروبی نهرهای روفیل، نهروانات و بادوریا موجب شده بود.^{۳۱}

کاریز رکن‌آباد در شیراز توسط رکن‌الدوله احداث گردید. هرچند در منابع دوران آل بویه مطلبی درباره ساخت قنات رکن‌آباد نیامده است. اما منابع متأخرتر قنات رکن‌آباد را به رکن‌الدوله نسبت می‌دهند و بر این باورند این قنات یکی از بهترین قنات‌های شیراز در طول تاریخ به‌شمار می‌رفته است.^{۳۲} اگر این اقدام را رکن‌الدوله انجام داده باشد، احتمالاً باید آن را در هنگامی که برای

آشامیدن برای آبیاری زمین‌ها نیز استفاده می‌شده است^{۳۴}.

ساختار نهاد وقف

دامنه گسترش اسلام، بعد از ظهورش توسعه یافت، فرهنگ و تمدن اسلام نیز به همان میزان شکوفا شد. وقف هم که یکی از پدیده‌های فرهنگ مسلمین بود، همراه این تحولات گسترش پیدا کرد. در آغاز، حکومت‌های مرکزی دخالتی در اداره وقف نداشتند و موقوفات به دست خود واقفان و یا متولیان منصوب شده اداره می‌شد. ولی کم‌کم افزایش موقوفات و دگرگونی حیات اجتماعی در جوامع اسلامی، دخالت حکومت‌ها و تأسیس ادارات اوقاف را الزامی کرد. عباسیان از سال ۱۳۲ تا ۶۵۶ هـ. ق یعنی چیزی حدود پنج قرن حکومت کردند. در طی حکومت آنها که شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی شروع شده بود، وقف گسترش زیادی پیدا کرد. آن طور که، در این عصر در بیشتر شهرها و روستاهای کشورهای

اسلامی، موقوفاتی وجود داشته که در بین آنها، اوقاف بغداد، دمشق، مصر و ایران اهمیت بیشتری داشته‌اند.

در دوران بنی امیه و بنی عباس وقف گسترش یافت و مردم به آن روی آوردند و وقف، از انحصار وقف بر فقرا و مساکین خارج شد و به تأسیس مراکز علم و تأمین زندگی، طلاب، مدرسین و خدام و ساخت پناهگاه‌ها و کتابخانه‌ها تعمیم پیدا کرد و دولت‌های مذکور تشکیلات منظمی را برای اداره و نظارت بر اوقاف تشکیل دادند. که در زمان بنی امیه «دیوان اوقاف» و در زمان بنی عباس «کمیته اداره موقوفات» نامیده می‌شد که سرپرست آن را «صدر الوقوف» می‌نامیدند^{۳۵}. فرزندان بویه در اوایل قرن چهارم قمری ظهور و حکومت‌های مستقلی در فارس، اهواز، کرمان، ری، اصفهان و همدان تأسیس کردند. آنان سلطه واقعی خود را بر عراق گستراندند و با خلافت عباسی در حاکمیت مشارکت نمودند. نفوذ این خاندان تا آنجا افزایش یافت که یکی از دوره‌های خلافت عباسی به نام آنها رقم

خورد^{۳۶}. از این رو اداره موقوفات به همان شیوه در حکومت عباسیان بود.

انگیزه واقفان

وقف در این دوره با انگیزه‌های مختلف صورت می‌گرفت. هر یک از واقفان برای انجام وقف برای خود انگیزه‌هایی داشته‌اند که گاه متفاوت از یکدیگرند. این انگیزه‌ها ممکن است مشروعیت بخشیدن به تملک زمین، انگیزه‌های مذهبی، سیاسی، اقتصادی، علم دوستی، جلوگیری از غصب اموال، احسان و خیرخواهی و... بوده باشد. در ذیل به بررسی برخی از این موارد می‌پردازیم:

۱. آموزش

از جمله انگیزه‌های وقف می‌توان به نقش آن در گسترش و پیشرفت آموزش، به‌خصوص آموزش دینی اشاره کرد. واقفان با موقوفات خود چه در جهت بقاء و پایداری مدارس و چه در جهت برآورده ساختن مایحتاج طلاب و معلمان و مدرسان، کمک شایانی به رونق درس و مدارس دینی

داشتند^{۳۷}.

۲. مذهبی و فرهنگی

از انگیزه مهم واقفان می‌توان توسعه بناهای مذهبی و مساجد و تکایا را نام برد. این موقوفات چه در جهت تعمیر و مرمت مساجد و تکایا و چه در جهت لوازم مورد نیاز آنها، همچون روشنایی، چراغ، فرش، خادم و مؤذن، واگذار شده که موجب پایداری، حفظ و بقای بناهای مذهبی و گسترش مراسم و اعمال دینی شده است^{۳۸}.

۳. بهبود وضع کیفی زندگی

افراد جامعه

از دیگر انگیزه‌های وقف، توجه حاکمان و بزرگان به امر تأمین حوائج مردمی و دغدغه رفع آن بوده است. چرا که خود را در باب برآورده ساختن نیازهای مردم مسئول می‌دانستند، خود به بررسی نیازهای آنها پرداخته و در راستای تأمین آن تلاش می‌کردند. ساخت و بنای موقوفات توسط شخص حکمران یا سپردن آن به بزرگان نشانه احساس مسئولیت در

رابطه حاکم - رعیتی است که برخی از حاکمان بویهی به آن توجه داشته‌اند. در واقع هدف کارآفرینی و توجه به ساده‌تر کردن معاش مردم همواره یکی از انگیزه‌های وقف بوده است. که در سازندگی و آبادانی جامعه مفید واقع می‌شد.

۴) مصارف عمومی و عام‌المنفعه

برخی از موقوفات با انگیزه تأمین اهداف مقرر واقف صورت گرفته است، همچون اداره امور، گسترش، رواج و پیشرفت مؤسسات فرهنگی و دینی (مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها و...) و به‌ویژه مؤسسات عام‌المنفعه دیگر نظیر بیمارستان‌ها، حمام‌ها، آب‌انبارها، مشاهد و مقابر و سایر مقاصد خیریه و منظوره‌های اقتصادی، کمک به مدارس طلاب علوم دینی، کمک به فقرا، ساخت حمام، روشنایی معابر و... اختصاص داشته است.^{۳۹}

محدوده جغرافیایی وقف در عصر آل بویه

پیش از این ذکر شد که آل بویه

حکومت مستقلی در فارس، اهواز، کرمان، ری، اصفهان و همدان تأسیس کردند و بر عراق نیز مسلط شدند. اما آنچه از منابع حاصل می‌شود حاکی از این است که عمده موقوفات حکومت بویهی ابتدا در بغداد به دلیل قرار گرفتن حکومت مرکزی در آنجا و سپس در شیراز بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند و در شهرهای همچون نجف، کربلا و کاظمین به دلیل وجود زیارتگاه‌های امامان شیعه خدمات اجتماعی و اقدامات عام‌المنفعه‌ای را انجام دادند.^{۴۰} که دلیل این گونه اقدامات می‌تواند گرایش شیعی این خاندان و تلاشی که امرا و وزرای بویهی مبنی بر گسترش تشیع در بین مردم و کسب اقتدار و مشروعیت لازم برای حکومت شیعی خویش که بر حکوت سنی مذهب عباسی سایه افکنده بود، باشد. سایر شهرهای تحت سلطه آل بویه همچون: ری، اهواز، قزوین و... نیز آثاری از موقوفات بویهی را در خود جای داده‌اند.

ردیف	واقف	تاریخ	مکان	مرتبۀ اجتماعی	رقبات	انگیزه وقف	نوع وقف
۱	ابوالقاسم جعفر بن محمد موصلی	۴۳۲ ه.ق	موصل	دانشمند و فقیه	دارالعلم	آموزش و ترویج دانش	انتفاع، عام
۲	شاپور بن اردشیر	۳۸۳ ه.ق	در کرخ بغداد	وزیر بهاءالدوله	دارالعلم	آموزش و ترویج دانش	انتفاع، عام
۳	عضدالدوله	۳۷۲ ه.ق	بغداد	حاکم	بیمارستان	عام المنفعه، رفاهی، آموزشی	انتفاع، عام
۴	محمد بن طوسی	۴۴۸ ه.ق	نجف	دانشمند	انتقال حوزه به نجف و تأمین هزینه آن توسط حکومت بویه	مذهبی، فرهنگی و آموزشی	انتفاع، خاص
۵	معزالدوله	۳۳۴ ه.ق	بغداد	حاکم	بهبود وضعیت کشاورزان، اصلاح خرابی آب بندها و سدها	بهبود وضع کیفی زندگی افراد جامعه، مصارف عمومی و عام المنفعه	منفعت، عام
۶	صاحب بن عباد	۳۷۳ ه.ق	قم و قزوین	وزیرخاندان بویه	آبرسانی، آبادانی و عمران	بهبود وضع کیفی زندگی افراد جامعه، مصارف عمومی و عام المنفعه	منفعت، عام

کلام آخر

وقف به عنوان یکی از پدیده‌های با ارزش در فرهنگ و تمدن جامعه اسلامی است. هرچند که پیش از ظهور اسلام از آن یاد شده است اما در فرهنگ اسلامی رنگ

و بوی تازه‌ای به خودگرفت و ارزش معنوی والایی از جانب شرع دریافت کرد. از این رو حکومت‌های مسلمان در سراسر جهان اسلام با انگیزه‌هایی بس متفاوت بدان روی آوردند و در جهت اعتلای این فرهنگ باشکوه کوشیدند. خاندان ایرانی و شیعه بویه در سده چهارم هجری با تسلط بر حکومت عباسی، عراق و بخش وسیعی از ایران اسلامی را زیر سلطه خویش داشتند. حاکمان و وزرای دانشمند این خاندان که علم و دانش دوستی با نام ایشان عجین شده بود، در عصری پا به عرصه سیاست نهادند که جوامع اسلامی رو به سوی پیشرفت نهاده بودند. از این رو تلاشی فزاینده را در ارائه موقوفات در نواحی تحت سلطه خویش داشتند. واقفان آل بویه با انگیزه‌های متفاوتی همچون ترویج دانش در جامعه اسلامی، آبادانی، رفاه، بهبود وضعیت رعایا و ترویج فرهنگ شیعی به ساخت مساجد، کتابخانه، دارالعلم، بیمارستان، حفر قنات و ساخت سد روی آوردند.



عمدہ سائنس
پہاڑی



پی‌نوشت‌ها:

۱. کارشناس ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه الزهراء ع.ا.و.ا.ه.
۲. تاریخ سنی ملوک الارض و الانبياء عليهم الصلاة و السلام، ص ۴۲
۳. وقف در ايران، ص ۵۲
۴. از طلوع طاهريان تا غروب خوارزمشاهيان، ج ۲، ص ۱۲۳
۵. الكامل فی التاريخ، ج ۸، ص ۲۶۵؛ المنتظم فی تاريخ الأمم و الملوك، ج ۱۳، ص ۳۴۱
۶. از طلوع طاهريان تا غروب خوارزمشاهيان، ج ۲، ص ۱۲۳
۷. تاريخ تشيع، ج ۲، ص ۷۲
۸. تاريخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۲۹
۹. نظام مالی در اسلام، ص ۳۳۸
۱۰. الكامل فی التاريخ، ج ۸، صص ۵۸۳-۵۸۴
۱۱. تجارب الامم (ترجمه)، ج ۶، ص ۳۳۵
۱۲. المنتظم فی تاريخ الأمم و الملوك، ج ۱۵، ص ۲۸۲
۱۳. تاريخ بيهق، ص ۶
۱۴. تاريخ علوم اسلامی، ص ۱۴۶
۱۵. محاسن اصفهان، ص ۸۵
۱۶. المنتظم فی تاريخ الأمم و الملوك، ج ۱۴، ص ۳۶۶
۱۷. نظام مالی در اسلام، ص ۲۳۹
۱۸. معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۳۴
۱۹. نظام مالی در اسلام، ص ۲۳۹
۲۰. همان؛ جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲، ص ۱۲۳؛ احسن التقاسيم فی معرفة الاقاليم، ج ۲، ص ۶۶۱
۲۱. نزهة القلوب، صص ۱۲-۳۲؛ تجارب الامم، ج ۶، ص ۴۵۳
۲۲. محاسن اصفهان، ص ۸۶
۲۳. احسن التقاسيم فی معرفة الاقاليم، ج ۲، ص ۵۸۰
۲۴. صاحب بن عباد، ص ۷۰
۲۵. تاريخ قم، ص ۱۴۵
۲۶. همان، ص ۶
۲۷. معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۸۳؛ المنتظم فی تاريخ الأمم و الملوك، ج ۱۴، صص ۳۶۵-۳۶۶
۲۸. همان، ج ۱۵، ص ۱۵۳
۲۹. تكملة تاريخ طبرى، ص ۱۵۶
۳۰. اوضاع اجتماعی در دوره آل بويه، ص ۷۸
۳۱. تجارب الامم، ج ۶، صص ۲۱۲-۲۱۳
۳۲. تاريخ حبيب السیر، ج ۴، ص ۶۳۳؛ فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۲۱۸
۳۳. الكامل فی التاريخ، ج ۸، ص ۴۸۳
۳۴. ماهنامه كتاب ماه تاريخ و جغرافيا، شماره ۱۶۵، ص ۳۵؛ صور الارض، ج ۲، صص ۳۷۸-۳۷۹
۳۵. احكام وقف در شريعت اسلام، صص ۵۰-۵۱
۳۶. دولت عباسيان، ص ۲۷۰

مصباحی و علی یحیایی، مشهد، خانه
آبی، ۱۳۸۸.

۷. تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء
علیهم الصلاة و السلام، حمزة بن الحسن
اصفهانى، بیروت، منشورات دار مکتبه
الحیة، (بی تا).

۸. تاریخ حبیب السیر، غیاث‌الدین بن
همام‌الدین خواند میر، خیام، ۱۳۸۰.

۹. تاریخ تشیع، ج ۲، زیر نظر: احمدرضا
خضری، حسین حسینیان، منصور
داداش‌نژاد، حسین مردای‌نسب،
محمدرضا هدایت پناه، قم، پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.

۱۰. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی،
عبدالرحیم غنیمه، ترجمه: نورالله کسایى،
دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۱۱. تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره
غزنویان و خوارزمشاهیان، عباس
قدیانى، فرهنگ مکتوب، چاپ اول،
۱۳۸۴.

۱۲. تجارب الامم، ابوعلی مسکویه، تحقیق:
ابوالقاسم امامى، تهران، سروش، ۱۳۷۹.

۱۳. تجارب الأمم، ابوعلی مسکویه، ترجمه:
علی نقی منزوی، تهران، توس، ۱۳۷۶.

۱۴. تکمله تاریخ طبری، محمد بن
عبدالملک همدانى، به اهتمام: آلبرت
یوسف کنعان، بیروت، مطبعة الكاتولیکیه،
۱۹۵۸م.

۳۷. فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره
۷۳، ص ۳۰

۳۸. همان، ص ۷۳

۳۹. مجموعه مقالات سمینار جغرافی، ص ۲۶

۴۰. تاریخ تشیع، ج ۲، ص ۷۹

منابع:

کتاب

۱. أَحْسَنُ التَّقَاسِيمِ فِى مَعْرِفَةِ الْأَقَالِيمِ،
ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسى،
تهران، شرکت مولفان و مترجمان، ۱۳۶۱.

۲. احکام وقف در شریعت اسلام، محمد
عبیدالکبیسى، ترجمه: احمد صادقى
گلدان، مازنداران، اداره کل اوقاف و امور
خیریه، چاپ اول، ۱۳۶۴.

۳. از طلوع طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان،
رسول جعفریان، موسسه فرهنگی دانش
و اندیشه معاصر، ج ۲، ۱۳۷۷.

۴. الكامل فى التاريخ، عزالدین ابوالحسن
علی بن ابى‌الکرم ابن اثیر، بیروت، دار
صادر - دار بیروت، ۱۹۶۵م.

۵. المنتظم فى تاریخ الأمم و الملوک،
ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد
بن جوزى، تحقیق محمد عبدالقادر
عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت،
دارالکتب العلمیة، ط الأولى، ۱۹۹۲م.

۶. اوضاع اجتماعى در دوره آل بویه.
پرویز متحده روى، ترجمه: محمدرضا

۱۵. تاریخ علوم اسلامی، جلال الدین همایی، نشرهما، تهران، ۱۳۶۳.
۱۶. تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، ترجمه: حسن بن علی بن عبدالملک قمی، تصحیح: جلال الدین طهرانی، توس، تهران، ۱۳۶۱.
۱۷. دولت عباسیان، محمد سهیل طقوش، مترجم: حجت الله جودکی، با اضافاتی از: رسول جعفریان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۱۸. صور الارض، ابوالقاسم محمد بن حوقل النصیبی، بیروت، دار صادر، افسس لیدن، ۱۹۳۸م.
۱۹. صاحب بن عباد، احمد بهمنیار، به کوشش: ابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۲۰. فارسنامه ناصری، میرزا حسن حسینی فسایی، محقق و مصحح: منصور رستگار فسایی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۲.
۲۱. معجم البلدان، شهاب الدین ابوعبدالله یاقوت حموی، بیروت، دار صادر، ط الثانية، ۱۹۹۵م.
۲۲. محاسن اصفهان، مفضل بن سعد بن حسین مافروخی، تصحیح: سید جلال الدین حسین طهرانی، تهران، (بی تا).
۲۳. محاسن اصفهان (ترجمه)، حسین بن محمد آوی، به اهتمام: عباس اقبال آشتیانی، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل، ۱۳۸۵.
۲۴. نظام مالی در اسلام، محمدباقر مدرس بستان آبادی، تهران، انتشارات حق بین، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۲۵. نزهة القلوب، حمدالله مستوفی، تصحیح: گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
۲۶. وقف سرمایه‌های ماندگار، جواد ملایی پور، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، برهان نوبت، ۱۳۸۴.
۲۷. وقف در ایران، مینودخت مصطفوی رجالی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۵۱.

مقاله

۱. آب و آبیاری در عهد آل بویه، نویسنده: علی یحیایی، ماهنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۵، ۱۳۹۰.
۲. جایگاه وقف و وقفنامه در ساختارشناسی فرهنگی، اجتماعی و جغرافیای تاریخی شهرستان تفت در استان یزد، نویسنده: مصطفی مؤمنی، مجموعه مقالات سمینار جغرافی، به کوشش: دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴.
۳. وقف در کرمان از اسلام تا مشروطه، نویسنده: اطهره قاسم‌زاده عقیبانی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۷۳، ۱۳۹۰.